

## نوسازی رقابت سیاسی بر اساس مبانی و اصول ینش توحیدی امام خمینی (ره)

علی کربلایی پازوکی<sup>۱</sup> محمد سجادی فر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

### چکیده:

رقابت سیاسی که به جدال و پیکار رقبای سیاسی جهت دستیابی به قدرت سیاسی گفته می‌شود، به جهت نقشی که در تقویت و کارآمدی و یا تزلزل و تضعیف نظام سیاسی دارد، همواره مورد بحث و بررسی صاحب نظران بوده.

هدف این پژوهش، دستیابی به پاسخ این مسئله است که «رقابت سیاسی، در اندیشه امام خمینی (ره) دارای چه ماهیت، مبانی و اصولی می باشد»، تا در پی آن، رقابت سیاسی تراز انقلاب اسلامی، ترسیم و مهندسی گردد.

روش: این تحقیق داده‌های خود را با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه‌ای گردآوری نموده و با تمرکز بر محتوای کتب، سخنرانی‌ها، پیامها و دستورات و موضع گیری‌های سیاسی-اجتماعی امام خمینی (ره)، آن‌ها را مورد توصیف، تبیین و تحلیل قرار داده است.

یافته‌ها: بر اساس اندیشه سیاسی امام خمینی، قدرت سیاسی ماهیتی رقابت پذیر دارد. یعنی هم در پیدایش و هم در ساز و کار اعمال، از اراده و مشارکت آحاد جامعه پدید می‌آید و در حقوق اساسی که بر اساس اندیشه امام خمینی (ره) شکل گرفته، زیر ساخت‌های لازم و چارچوب‌های عملی برای یک رقابت سیاسی فراگیر، تعبیه گردیده است.

نتیجه: امام خمینی (ره) با نفی هرگونه استبداد از قدرت سیاسی و پذیرش نقش تعیین کننده برای مردم، رقابت سیاسی را تکلیف محور و در جهت منافع و مصالح جامعه تعریف نموده و آن را به مثابه یک عبادت فراگیر دینی و شرعی و استباق در خیرات برای شایستگان سیاست تبیین کرده اند.

**واژگان اصلی:** امام خمینی، رقابت سیاسی، قدرت رقابت پذیر، زیرساخت‌های رقابت، اصول عملی رقابت

## طرح مسئله:

قوام و پایداری حکومت‌ها و نیز تزلزل و سستی آن‌ها، ارتباط تنگاتنگ با اتقان و استحکام بنیادهای نظری آن دارد. از این رو اندیشمندان تلاش می‌کنند تا با تبیین منطقی، این مبانی را موجه کنند. زیرا در صورت فرو ریختن باورهای معرفتی و نظری در افکار جامعه، علاوه بر پائین آمدن کارآمدی نظام سیاسی، زمینه‌های معرفتی سقوط آن نیز فراهم می‌گردد. از طرفی جاذبه‌های «اسلام سیاسی» و توجه به بنه‌های معرفتی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان عقبه تئوریک جمهوری اسلامی، پس از انقلاب (۱۳۵۷ش-۱۹۷۹م) ایران، باعث گردیده تا مطالعه پیرامون راهبردهای سیاسی آن، در داخل و خارج از کشور رو به فزونی نهد. چنانچه در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی جهان، بخش‌هایی برای فهم دقیق از انقلاب اسلامی و عقاید رهبران آن، فعال کرده‌اند و جلوه‌های آن را می‌توان در رشد شمار پژوهشگران، مؤسسات پژوهشی، مقالات علمی و مراکز دانشگاهی، خصوصاً در آمریکای شمالی و اروپای غربی مشاهده کرد (ر.ک: عبدالمطلب، ۱۳۹۵، ص: ۶). این خود سبب می‌گردد تا از طرف آگاهان به مبانی انقلاب و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)، همواره تلاش‌های نوینی مشتمل بر مسائل نوپدید منطبق با مبانی مذکور فراروی جویندگان آن قرار بگیرد تا هم از تحریف آن مبانی جلوگیری به عمل آید، هم با پاسخ به شبهات، به استحکام و کارآمدی نظام سیاسی منجر شود و هم نظام سیاسی تراز انقلاب اسلامی مورد تبیین و توصیف قرار بگیرد.

رقابت سیاسی<sup>۱</sup> که مفهومی پسا مدرنی و متعلق به حوزه لیبرال دموکراسی است، به عنوان مهمترین نوع و کنش فعال، هوشمندانه و هدفدار مشارکت سیاسی<sup>۲</sup> و مؤلفه تعیین کننده نوع اقتدار حاکمیت و شاخصه مهم توسعه سیاسی همواره اصلی ترین حوزه مناقشه مباحث نظری و راهبردی نظام‌های سیاسی می باشد؛ که در دو سطح پنهان و آشکار و بر سه الگوی رقابتی «رقابت بر نظام سیاسی<sup>۳</sup>»، «رقابت برای نظام سیاسی<sup>۴</sup>» و «رقابت در چارچوب نظام سیاسی<sup>۵</sup>» رخ می دهد (خواجه سروی ۱۳۸۲، ص ۴۷-۵۵ و ۷۲-۷۳ و ۱۱۳). رقابت سیاسی، به جهت قرابت مفهومی و عملی نزدیکی که با مشارکت سیاسی دارد تعریف و تمیز آن دو از هم با صعوبت مواجه است. البته ریشه این مشکل به پیچیدگی تعریف مشارکت سیاسی برمی گردد. (خواجه سروی، ۱۳۸۴، ش، ۱۹-۱۸؛

1 political competition

2 Participation political

3 Competition at...

4 Competition for...

5 Competition in...

بشریه، ۱۳۸۴ش، ص ۳۷۵؛ و پای و دیگران، ۱۳۸۰ش، ص ۲۴۳-۲۴۷). با این حال، به سبب برجستگی عنصر قدرت در رقابت سیاسی، آن را اینگونه تعریف کرده اند: «رقابت سیاسی، مراقبت و محافظت رقبا از همدیگر جهت دست یافتن به قدرت سیاسی و محافظت از آن می باشد که با افزایش توان خود و بستن راه های ورود و نفوذ رقیب به قدرت است، تا نگذارند رقیب قدرت را از دست آنها خارج نماید» (بهرز لک و... ۱۳۹۶، ص ۱۱). رقابت سیاسی در شرایط مطلوب آثاری همچون «ارتقاء کارآمدی نظام»، «رشد نخبگان سیاسی»، «تقویت ثبات و پایداری اقتدار و امنیت ملی» و «افزایش سرمایه های اجتماعی نظام» را به دنبال می آورد. مضافاً اینکه یکی از کارکرد های پنهان نهاد سیاست، اثر گذاری بر فرهنگ عمومی و تربیت اجتماعی تفسیر شده است و علاوه بر تاثیر گذاری در حوزه سیاست، موجبات ارتقاء تربیت عمومی و توسعه بخشی ظرفیتهای و استعداد های افراد جامعه را نیز فراهم می کند.

از این رو برای تصحیح رفتارهای رقابتی و تحقق رقابت مطلوب در چارچوب «Competition in...»، لزوماً سه ساحت «رقابت پذیری قدرت»، «وجود زیرساختهای حقوقی و سازمانی برای کنترل و تضمین آن» و «چارچوب های عملی رقابت» باید وجود داشته باشد. چرا که ساحت های سه گانه، مقدمه وجودی رقابت محسوب می شوند و در عین حال که منطقاً تصور رقابت بدون آنها ممکن نمی باشد، هر کدام از ساحتها نیز خود، متوقف بر تصدیق ساحت پیشین می باشد. این انسجام طولی و مقدماتی در پی این مسئله مطرح می گردند، که آیا در اندیشه امام خمینی اساساً قدرت رقابت پذیر است، یا اینکه دارای ماهیتی استبدادی و خودکامه می باشد؟ اگر قدرت رقابت پذیر است، آیا بسترها و زیرساختهای رقابت نیز برای آن تدارک دیده شده و تضمین گردیده است؟ نهایتاً پس از وجود قدرت رقابت پذیر و زیر ساختهای رقابتی، مسئله شیوه ی عمل و التزامات رفتاری و خطوط قرمز رقابت مطرح می گردد، که به چه شیوه ای جامعه عمل ببوشد؟ از چه وسیله ای باید بهره گرفت؟ آیا هدف صرفاً کنار زدن رقبا می باشد یا اینکه هدف خاصی مد نظر است؟ و دیگر مسائلی که مجموعاً رقابت سیاسی را تبیین و توصیف می کنند.

پاسخ به این مسئله با این فرضیه شروع می شود که در اندیشه ی سیاسی اسلام و امام خمینی (ره) هم قدرت رقابت پذیر است و هم داوطلبان قدرت سیاسی به عنوان «تکلیف شرعی» در آن شرکت می کنند و امام خمینی (ره) برای تحقق این امر، علاوه بر تعیین چهارچوب های قانونی در حقوق اساسی، اصول عملی نیز برای آن معرفی کرده است.

پیشینه پژوهشی: علاوه بر اینکه به جهت اهمیت و قرابت موضوع رقابت سیاسی، کلیه منابعی که به «مشارکت سیاسی»، «تکثر پذیری سیاسی»، «گردش قدرت»، «احزاب»، «انتخابات» و غیره پرداخته اند، مسئله رقابت سیاسی را نیز منعکس کرده اند؛ همچنین پژوهش‌های محققانه ای نیز در خصوص «رقابت سیاسی» با رویکرد های مختلف منتشر گردیده، که هم به لحاظ مسئله، هم به لحاظ داده، پایش و تحلیل محتوا و نیز مدل های تحلیلی، متفاوت از هم می باشند. از باب نمونه: «درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی» افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). تهران: نشر گلبان؛ «رقابت سیاسی و ثبات سیاسی» خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ «رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی در ایران امروز» کریمی مله، علی (۱۳۸۰). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ «دگرپذیری سیاسی و منافع ملی: جایگاه رقابت سیاسی در ایران» عطارزاده، مجتبی (۱۳۷۸). فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴؛ «رویارویی اسلام و لیبرالیسم در روی آوری به دموکراسی» شجاعی زند، علی رضا (۱۳۹۴). فصلنامه راهبرد، سال بیست چهارم، شماره ۷۲؛ «سبک زندگی، مشارکت و رقابت سیاسی با تأکید بر آیات و روایات» مظفری، آیت (۱۳۹۴). فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، شماره ۷؛ «شایسته سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر اندیشه‌های سیاسی امام علی (ع)» نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، علی (۱۳۸). معرفت سیاسی، سال دوم، شماره ۲. همچنین از جمله منابعی که به دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته اند: «تحلیل وفاق اجتماعی در اندیشه امام خمینی ره با تأکید بر الگوی تکثرگرایی حق‌مدار» کریمی والا، محمد رضا (۱۳۹۳). معرفت سیاسی، سال ششم، شماره ۱؛ «رقابت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» جعفرزاده، قاسم؛ فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۱). پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام-دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

اجمالاً آنچه در این پژوهش ها اتفاق افتاده تطبیق و همسان سازی برخی از دستورالعمل‌های اسلامی و یا دیدگاه های امام خمینی (ره) با رقابت سیاسی متعارف در علوم سیاسی می باشد. به بیان دیگر، به جای تبیین و توصیف رقابت سیاسی تراز اسلامی، برای کلیت و یا جنبه هایی از رقابت سیاسی مصطلح، با استخراج قرائن و شواهدی از درون مایه های معرفتی اسلامی، رقابت سیاسی مصطلح را مورد تأیید و پذیرش قرار داده اند. از باب نمونه در پژوهشی که تحت عنوان: «رقابت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)» به قلم آقایان قاسم جعفرزاده و عبدالوهاب فراتی منتشر گردیده است، ابتدا به تعریف، توصیف، تبیین و بیان ساختارهای لازمه، الزامات، بایدها و نبایدها، مقدمات پیشین رقابت

سیاسی مصطلح پرداخته شده است و پس از آن از آراء و دیدگاه های امام خمینی (ره) در تایید آن بهره گرفته شده است. از این رو این اشکال متوجه همه پژوهش هایی است که رهیافتی به رقابت سیاسی در نگاه اسلام و یا اندیشمندان اسلامی، خصوصاً امام خمینی (ره) داشته اند، زیرا بصورت یکسانی با تلقی به قبول کردن اساس رقابت سیاسی با خوانش مدرن آن، پژوهشگران سعی کرده اند تا این نوع رقابت سیاسی را از دیدگاه اسلام و یا اندیشمندان اسلامی مشروع و مقبول جلوه دهند و مویذاتی نیز برای آن ذکر نمایند.

از این رو همچنان خلاء «ترسیم روشمند رقابت سیاسی در منظومه فکری امام خمینی ره» پاسخ نداده اند.

**جنبه جدید بودن:** توجه و تمرکز به استخراج و تبیین و توصیف ماهیت، مبانی و اصول رقابت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مسئله پژوهش پیش رو را متمایز می کند. بعلاوه در این پژوهش با پرهیز از هرگونه گزینشی عمل کردن و جزئی نگری، کلیه منابع معتبر و داده های قابل استناد دخیل در فهم مسئله، مورد رصد، پیمایش و مراجعه قرار گرفته اند و علاوه بر اعتبار همه استانداردهای تحقیقاتی، از رویکرد «مذهبی- وحیانی» بهره گرفته شده. از طرفی چون حوزه های مختلف علوم اسلامی دارای ماهیتی توحیدی می باشند؛ کلیه کنش ها و رفتارهای اسلامی همسو و ماهیتی مشترک دارند. چنانچه اخلاق اسلام و دستورات دینی با سیاست اسلامی، تباینی ندارند و جدای از هم نیستند، مضافاً اینکه عینیت با هم نیز دارند. از این رو برخلاف برخی مکاتب که اخلاقیات و دستورات دینی را تنها توصیه های مطلوبی می پندارند که کیفیت رفتار و کنشها را مطلوب تر می کنند؛ در اندیشه اسلامی اگر دستورات اخلاقی و دینی در رقابت سیاسی لحاظ نگردند، اساساً «رقابت سیاسی اسلامی» تحقق نیافته است. به همین سبب فهم رقابت سیاسی در چارچوب نظام معرفتی و منظومه فکری امام خمینی (ره)، متمایز از هر مکتب و اندیشه دیگری می باشد.

**مبانی، ساختار و چارچوبهای رقابت سیاسی.**

### ۱- رقابت پذیری قدرت و نظام سیاسی

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) قدرت ذاتاً مقوله ای اعتباری است که جامعه بر اساس حق خدادادی، برای اداره امور خویش معتبر کرده است. این حق همگانی در پی نفی هرگونه سلطه به دست می آید. از این رو کلیه مراحل قدرت اسلامی، تا ترکیب با پذیرش مردم «انتخاب خَلقی» پیدا

نکند و مورد قبول و پذیرش مردم قرار نگیرد، هرگز به مرحله فعلیت در نخواهد آمد و مستقر نخواهد شد. (موسوی خلیلی، ۱۳۶۷، ص: ۵۴۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص: ۶۹) بر همین اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی، با نفی هرگونه استبداد از قدرت سیاسی، حاکمان و متولیان قدرت سیاسی را علاوه بر تعیین صفات و شرایط مشخص، و الزام آنها به أخذ اعتماد از مردم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، محدودیت زمانی نیز برای آنها در نظر گرفته شده است. همچنین اصل یکصد و هفتم ق.ا.ج.ا، حاکم را در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی دانسته و محدود به رعایت شرائط و صفات ویژه ای کرده است. چه محدودیتی از این بالاتر که اگر شرائط خود را حتی یک روز پس از تصدی قدرت، از دست بدهد، از مقام خود ساقط خواهد شد و نیازی به گذشتن چهار سال، یا هفت سال و یا مدت بیشتر و یا کمتر نیست. از این حیث، نه تنها همه ارگانهای قدرت مقتضی رقابت هستند، بلکه قدرت نه در انحصار کسی قرار خواهد گرفت و نه تصدی آن دائمی خواهد بود. چرا که پس از انقضای شرط و یا مدت آن، تصدی حاکمان بر قدرت منقضی و از قدرت کناره گیری و زمینه برای ورود دیگران مهیا می گردد. (ر.ک: مطهری، بی تا، ص: ۶۳-۶۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص: ۲۹۳؛ مظاهری، ۱۳۷۸، ص: ۷۴) البته این رویکرد امام خمینی (ره) به قدرت سیاسی، یک مساله جدیدی نمی باشد بلکه اساساً از دیرباز از جنبه تئوریکی در جامعه اسلامی و در اندیشه سیاسی شیعه مطرح بوده و همواره شیعه بر عدالت و تقوای امام جامعه تأکید داشته است و هرگونه هوا و هوس را نافی تقوا و عدالت دانسته است. از این رو حکومت اسلامی عدالت محور با انحصار طلبی و استبداد در تضاد و تنافی است. چنانچه امام خمینی با تقسیم دوگانه از حاکم، به «حاکم اسلامی» و «حاکم مستبد»، به تباین و ضدیت ماهیت قدرت سیاسی حاکم اسلامی با حاکم غیر اسلامی رأی داده است و بر همین بنیان، ولایت فقیه را ضد دیکتاتوری معرفی می کند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص: ۳۲۶) از این جهت شارحان اندیشه سیاسی امام خمینی، با بهره گیری از تبیین ایشان در کتاب البیع، پیرامون شروط معتبر در حاکم اسلامی<sup>۱</sup>، ولایت فقیه را به «ولایت فقاہت و

<sup>۱</sup> ما يعتبر في الوالي: فنقول: إنَّ الحكومة الإسلامية لما كانت حكومة قانونية، بل حكومة القانون الإلهي فقط، و إنما جعلت لأجل إجراء القانون، و بسط العدالة الإلهية بين الناس، لا بد في الوالي من صفتين، هما أساس الحكومة القانونية، و لا يعقل تحققها إلا بهما: إحداهما: العلم بالقانون. و ثانيتهما: العدالة... و هذا مع وضوحه - فإن الجاهل و الظالم و الفاسق، لا يعقل أن يجعلهم الله تعالى ولاة على المسلمين، و حكماً على مقدراتهم و على أموالهم و نفوسهم، مع شدة

عدالت» تعبیر کرده اند و گفته اند: «آنچه در اسلام حکومت می کند، فقاقت و عدالت است و به تعبیر دیگر حاکم و ولی مردم در اسلام، قانون الهی است، نه شخص خاص؛ زیرا شخص فقیه یک تافته ی جدا بافته از مردم نیست، بلکه او نیز همانند یکی از آحاد مردم، موظف به رعایت احکام و قوانین الهی است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص: ۲۵۷) این مهندسی زیرساختی از قدرت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ریشه در معارف قرآنی، روایات و سیره عملی معصومان علیهم السلام دارد، همانگونه که امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام فرمودند: «...وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَهْدًا إِلَىٰ عَهْدًا فَقَالَ: يَا ابْنَ أَبِيطَالِبٍ لَكَ وِلاءٌ مِنِّي مِنْ بَعْدِي، فَإِنِ وُكِّفَ فِي عَافِيَةٍ وَ اجْتَمَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فَمُمْ بِأَمْرِهِمْ، وَ إِنِ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعُهُمْ وَ مَا هُمْ فِيهِ، فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ مَخْرَجًا» (طبری، ۱۴۱۴، ص: ۴۷۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، باب سقوط جهاد البغاة و المشركين مع قلة الأعوان من المسلمين، ج ۱، ص: ۷۸) و همچنین فرمودند: «لَنَا حَقٌّ فَإِنِ أُعْطِيْنَاهُ وَ إِلا رَكِبْنَا أَعْجَازَ الْإِبِلِ وَ إِنِ طَالَ السُّرَى» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص: ۱۳۲) در هر دو این فرمایشات علی رغم اینکه امام علی علیه السلام ولایت را حق خویش برمی شمارند، اما تشکیل حکومت برای اعمال ولایت را نه بر اساس زور، تحمیل و قهر و غلبه بلکه آن را منوط به رضایت و مداخله مردم بر شمرده است و تا زمانی که مردم داوطلبانه و به اختیار خویش به جانب حضرت روی نیاوردند، ایشان ولایت را نپذیرفتند. همین پایه و اساس است که در اصل جهلم ق.ا.ج.ا به عنوان محکمترین زیرساخت حقوق اساسی، آمده است که: هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر و یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد و نیز در اصل پنجاه و ششم آمده است که انسان بنابر حق الهی که خداوند به او داده است، حاکم بر سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش است و هیچ کس هم حق سلب آن را ندارد. و نیز عطف بر همین مبنا است که امام خمینی در پاسخ به این سوال که در چه صورت فقیه جامع شرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد، می گویند: «ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین، که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است، و در صدر اسلام تعبیر می شده به بیعت با ولی مسلمین.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص: ۴۵۹).

اهتمام الشارع الأقدس بذلك، و لا يعقل تحقّق إجراء القانون بما هو حقّه إلّا بيد الوالی العالم العادل - دلّت عليه الأدلّة

اللفظية... (امام خمینی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۲۳)

با این بیانات معلوم می‌گردد که امام خمینی حکومت اسلامی را در تأسیس، تشکیل و ادامه و استمرار آن، وابسته به دخالت مسلمانان می‌داند. بنابر این قدرت سیاسی به عنوان ضلع نخست رقابت سیاسی در منظومه فکری امام خمینی (ره) اساساً با استبداد و دیکتاتوری و انحصارگرایی تبیین کلی دارد و هرچند برای تصدی هر بخشی، شرائط و ضوابطی در نظر گرفته شده، اما ورود به قدرت اختصاص به فرد و یا گروهی ندارد و همه می‌توانند با داشتن صلاحیت‌ها و شایستگی‌های لازمه برای ورود با آن اقدام و یا به رقابت بپردازند.

## ۲- زیر ساختهای رقابت

هرچند قدرت ماهیتاً شأنت رقابت داشته باشد و به اصطلاح رقابت پذیر باشد و هر نوع استبداد و خودکامگی در آن متفی باشد و داوطلبان قدرت بتوانند به آن ورد نمایند؛ اما اگر بسترهای رقابتی برای ایجاد رقابت در قدرت تدارک دیده نگردد، انسداد مسیر رقابت رقم خورده است و در عمل رقابتی رخ نمی‌دهد، زیرا در صورت فقدان زیرساخت رقابتی، مجال و فرصتی برای تحقق رقابت، پدیدار نمی‌گردد و چون تضمین‌های عملی برای رقابت صورت نگرفته و عملاً باب رقابت مسدود می‌گردد. از این رو وجود زیرساختهای رقابت سیاسی به عنوان ضلع دوم، موجب گشودن مسیر برای ورود داوطلبان به عرصه قدرت می‌گردد. برای تحقق این مهم زیرساخت‌های قدرت در دو قسمت حقوق اساسی و تدارکات نهادی و سازمانی مورد تعقیب می‌باشد.

## الف: زیرساخت‌ها در حقوق اساسی

اهتمام و تلاش امام خمینی در نهادینه کردن تشکیلات رقابتی قدرت، سرانجام «سازوکارهای اجرائی کردن رقابت سیاسی» شکل قانونی به خود گرفت و سبب گردید تا اصول متعددی در متقن‌ترین حقوق اساسی در جمهوری اسلامی، یعنی قانون اساسی، به زیر ساختهای قانونی و حقوقی رقابت سیاسی اختصاص یابد. از باب نمونه در ق.ا.ج.ا، در اصل اول، حکومت ایران را «جمهوری اسلامی» می‌داند. پر واضح است که اسلامیت و جمهوریت نظام به معنای نفی استبداد و خودکامگی است. اهمیت بالای این مسأله سبب شد که در اصل یکصد و هفتاد و هفت، جمهوری بودن حکومت و اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی، به عنوان اصلی تغییر ناپذیر در قانون اساسی معرفی گردد. (قاسمی، ۱۳۸۸، ص: ۱۰۵). از این جهت رقابت سیاسی در ذات جمهوری اسلامی اندماج یافته و از اجزای ذاتی آن محسوب می‌شود. چنانکه اصول دیگر قانون اساسی مانند: بند جیم مورد ششم از اصل دوم و همچنین اصول سوم، ششم، هفتم، هشتم و نهم، این مسئله را استحکام بخشیده و راه



حقوقی را برای رقابت سیاسی فراهم کرده اند و اصول دیگر مانند اصول شصت و سوم و یکصد و چهاردهم که دوره نمایندگی شوراهای محلی و استانی، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری را محدود به چهار سال کرده است و یا اینکه در اصل یکصد و بیست و یکم، در سوگندنامه رئیس جمهور اینگونه ذکر شده است: «... قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.» و اصول دیگر که همگی حاکی از وجود زیرساختهای حقوق اساسی رقابت در قدرت سیاسی جمهوری اسلامی می باشد. بدیهی است که اتکای به آراء، مسبوق به وجود زیرساختهای رقابتی و گزینشی است چنانکه در اصول متعدد حقوق اساسی بدانها اشاره رفت.

### ب: زیرساخت ها در حوزه تشکیلاتی و سازمانی

تحقق اهداف و کارکرد رقابت سیاسی وقتی است که نهادهای تأثیر گذار در عرصه رقابت سیاسی به طور موفقیت آمیز تأسیس، نهادمند و تثبیت گردند. زیرساخت دیگری که برای رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی تحت رهبری سیاسی امام خمینی تدارک دیده شد، ایجاد نهادهای واسط، معین، راهنما، مشوق، ناظم و تضمین کننده ی اجرا و امنیت، رقابت سیاسی بود. نهادهایی چون شورای نگهبان قانون اساسی و وزارت کشور، هم در بخش نظارتی و هم در بخش اجرا با کمک نهادهای دیگر مثل نیروهای نظامی و انتظامی، رسانه های ملی و دولتی مانند صدا و سیما و نشریات دولتی، و جز آنها، متولی این مسئله مهم گردیدند. پذیرفتن تشکیل احزاب سیاسی و رسمیت بخشیدن به فعالیت آنها، تأمین امنیت و صدور مجوز برپائی راهپیمایی ها، جلسات سیاسی، مناظرات سیاسی، انتشار نشریات، بررسی صلاحیت ها، برگزاری انتخابات، اعطاء و تأمین آزادی های اساسی-آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی های مدنی و اجتماعی- مورد نیاز رقابت سیاسی، در اختیار نهادن فضاها و امکانات اولیه و مشوق های حمایت گرانه، بررسی تخلفات رقابتی و سیاسی، و جز آنها که همگی نشان از فراهم بودن زیرساختهای تشکیلاتی و سازمانی رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی دارد. (ر.ک: قانون و آئین نامه های...، ۱۲/۱۰/۱۳۹۸) در این مهندسی از قدرت، حق ورود به فعالیت های سیاسی از قوای نظامی و انتظامی و دستگاههای نظارتی و اطلاعاتی سلب شده تا به نحو مؤثر و نه جانبدارانه در جهت تحقق این مسئله اقدام کنند(ن.ک: فولادفر، ۱۳۹۲، ص: ۲۲۳). از دیگر وظایف نهادهای مذکور این است که از به وجود آمدن نابرابری های غیر متعارف ناشی از زیر ساختهای رقابتی جلوگیری به عمل آورند و به تنظیم برابری فرصتها و حذف فاصله غیر متعارف رقبا نسبت به

هم، اقدام نمایند. چنانچه عدم استفاده از قدرت سیاسی و موقعیت‌های حکومتی و منع استفاده از امکانات دولتی برای جریان‌ها و گروه‌های رقیب، بازگشتش به ایجاد فرصت برابر و تمهید و تسهیل در رقابت سیاسی می‌باشد. تا در سایه بسط عدالت اجتماعی، هم دموکراسی حقیقی برپا گردد و هم با فراهم سازی فرصت‌های برابر، رشد ملت و کشور رقم بخورد. البته برابری در رقابت سیاسی هم شامل برابری در بهره‌مندی از بسترهای رقابت و هم دسترسی به کانون‌های قدرت و نقد کردن آنها می‌باشد. بر این اساس در حکومت اسلامی، ضمن پذیرش همه فعالیت‌ها و آزادی‌های مشروع؛ قانون، محور و مدار همه چیز است و اختصاص به نخبگان و یا طبقه خاصی ندارد و مردم به طور برابر می‌توانند دخالت کنند و خواسته و صدای دور افتاده‌ترین مردم نیز قابل محاسبه است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص: ۴۸۲؛ ج ۶، صص: ۵۶، ۶۲ و ۶۹)

### ۳- چارچوب‌های عملی رقابت سیاسی

در رقابت سیاسی، آنچه که به رقیب برتر اختصاص می‌یابد، همان جواز تصدی بر همه و یا بخشی از قدرت سیاسی است. لذا در جائیکه رقابت سیاسی صورتی از رقابت دارد و انحصار قدرت سیاسی شکسته نمی‌گردد، و گروه‌ها ورود و خروجی در قدرت سیاسی نداشته باشند، رقابت محقق نشده و به تعبیر امام خمینی، بیشتر به نمایش رقابت شبیه است. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص: ۴۳۴) در اندیشه سیاسی امام خمینی همانگونه که صرف به دست آوردن قدرت، مطلوبیت ندارد، اساساً ماهیت رقابت سیاسی، به استناد آیات قرآن (آل عمران/۱۱۴؛ انبیاء/۹۰؛ مومنون/۵۶ و ۶۱؛ بقره/۱۴۸؛ مائده/۴۸)، مبتنی بر استباق در خیرات و پیش قدم شدن جهت انجام تکلیف و خدمت به مردم می‌باشد. بر این مبنا، مقوله «رقابت سیاسی» از «بیکار و جدال سیاسی-رقابت بر قدرت» و «نمایش رقابت سیاسی-رقابت برای قدرت»، متمایز می‌گردد و تنها در بسترهای مقبول و مشروع مورد پذیرش می‌باشد. لذا در اندیشه سیاسی امام خمینی رقابت‌های فریبکارانه، طغیان‌گرانه و ساختار شکنانه، جایگاهی ندارد و فساد برانگیز است. ایشان رقابت‌های جانکاه بر سر قدرت و برتری طلبی را به شدت مردود نموده و رقابت کنندگان را به گرگان درنده تشبیه کرده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص: ۵۱۱) و ریشه اینگونه رقابت‌ها را دنیا طلبی افراد معرفی می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص: ۲۵۴). با این احتساب در اندیشه سیاسی امام خمینی، رقابت سیاسی در عمل دارای چارچوب‌ها و قواعد مشروع زیر می‌باشد:

### ۳-۱- پذیرش مرجعیت قانون و داوری مردم

کارآمدی رقابت سیاسی، هنگامی است که رقبا به نتیجه آن تن بدهند. این امر مستلزم الزامات از پیش تعیین شده ای است که با پذیرفتن آنها، عملاً چارچوب های رقابتی، مسیر نتیجه بخشی را توأم با امنیت و آرامش فرا روی رقبا قرار می دهد. در این صورت فصل الخطاب بودن مرجعیت واحد، هم ضامن تحقق رقابت سالم و شایسته است و هم تضمین کننده نتیجه واقعی مترتب بر رقابت، بدون هر گونه تضییع حقی از رقبا می باشد. (ر.ک: خواجه سروری، ۱۳۸۲، ص: ۱۱۳). از این رو پذیرش مرجعیت قانون و پابندی و التزام عملی به آن، از آغاز رقابت تا انجام آن امری ضروری است. حتی اگر این اصل، منجر به نتیجه ای بر خلاف انتظار گردد، غیر قابل خدشه است و فصل الخطاب برای همه امور است. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص: ۳۷۶-۳۸۱؛ ج ۲۱، ص: ۲۰۴)، در جمهوری اسلامی، تمکین به قانون مساوق است با پذیرش خواست مردم و شریعت نورانی اسلام و هر رفتاری خارج از این چارچوب باشد، فاقد اعتبار است. تن دادن به قوانین اسلام و پذیرش داوری مردم از چنان جایگاه عمیقی در نگاه امام خمینی برخوردار است، که پانزده سال مبارزات انقلابی خویش را عمل به نظر و خواست مردم و وظیفه الهی خویش معرفی می کند و یا اینکه در پاسخ به وساطت پاپ در موضوع تسخیر لانه جاسوسی، داوری اسلام و مردم را گوشزد می کنند و تخطی از آن را جایز نمی شمارند. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص: ۲۹۹؛ ج ۱۱، ص: ۳۵). با این تبیین، پذیرش مرجعیت قانون و داوری مردم، اولین قاعده و اصل عملی رقابت سیاسی از منظر امام خمینی شناخته می گردد که هم فصل الخطاب رقابت است و هم به رقابت اعتبار می بخشد.

### ۳-۲- خشونت گریزی

یکی از اهداف رقابت سیاسی، تقویت وفاق و انسجام ملی است که اگر خشونت ورزانه باشد، نه تنها این هدف پر اهمیت محقق نمی گردد، بلکه موجب بروز شکاف و انشقاق سیاسی و اجتماعی می گردد. پرهیز از خشونت ورزی در گفتار و کردار و با نرمی برخورد کردن، دارای اساس و بنیانی قرآنی (آل عمران/۱۵۹) است که خداوند متعال انبیاء علیهم السلام را مؤدب به آن فرموده است. امام خمینی بر همین منهج و از آنجا که هدف رقابت سیاسی در مکاتب توحیدی و اسلامی را صرفاً به دست آوردن قدرت و فتح بلاد نمی داند، معتقد است که رفتار رقبا باید بر منطق اسلام از باب هم افزائی و تعالی بخشی قدرت سیاسی جامعه صورت گیرد و خشونت ورزی، جنجال، هیاهو، شدت در رفتار، جنگ و جدال در رقابت سیاسی جایگاهی ندارد. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص: ۲۹۰؛

ج ۱۰، ص: ۸۱). بر این پایه ایشان با نفی خشونت، میزان و ملاک رقابت سیاسی را به رفتار رحیمانه مؤمنان در قبال هم، ارجاع می دهند و معتقدند حتی اگر رقیب هم اقدام به خشونت کرد نباید دست به خشونت زد، بلکه می بایست با طمأنینه و متانت و بر اساس موازین اسلامی عمل بشود و از رفتار خشونت آمیز پرهیز کند چنان چه به مناسبتی نمایندگان استیضاح کننده را به ملایمت، تفاهم، اخلاق حسنه، رأفت و پرهیز از شدت و خشونت، دعوت می نماید. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص: ۲۰۴-۲۰۳). امام خمینی راه بروز خشونت و به جان یکدیگر افتادن را در غفلت از معنویت و توجه به عالم ماده می داند و اقداماتی را که به خشونت می انجامند، به جهت فقدان و تهی بودن آنها از معنویت و تکیه زدن بر مادیات می شمارند. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص: ۵۴۳).

### ۳-۳- ارجحیت بر رقیب و استمرار آن تا پایان رقابت

در رقابت سیاسی، رقبا با طرح ایده ها و معرفی توانمندی های خود، در صدد پیشی گرفتن از هم می باشند. تبعاً برای این کار باید رقبا هر کدام قبل از ورود به میدان رقابت، خود را برتر از دیگری در اداره اموری که موضوعشان قدرت سیاسی است، بدانند، تا ضمن معرفی توانائی برتر خود به نقد و معرفی کاستی رقیب خود بپردازد. با این بیان، التزام عملی رقبا به ارجحیت و شایسته تر بودن خود از پیش مفروض است و باید آن را در طول زمان رقابت به همراه داشته باشند. مقتضای این اصل آن است که رقبا ورود و یا ترک عرصه رقابت سیاسی را بر محور شایستگی برتر خود از رقبا قرار دهند و آن را تا پایان رقابت و هنگام تصدی قدرت حفظ نمایند. در صورتی که قبل از رقابت و یا در اثناء آن به هر دلیلی برای رقبا آشکار شد که رقیب از خودش برتری دارد، باید اصلحیت و ارجحیت رقیب را بپذیرد و دست از رقابت بردارند. چرا که در غیر این صورت، علاوه بر اینکه به لحاظ شرعی گناهگار شناخته شده و نزد پروردگار تنبیه و مجازات می شوند؛ موجبات عدم ارتقاء و سبب تنزل و ناکارآمدی قدرت سیاسی را فراهم نموده است. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص: ۲۳۶؛ ج ۱۹، ص: ۱۵۸)

### ۳-۴- حفظ کرامت انسانی

شأن رقابت، اثبات برتری خویش و نشان دادن نقصان رقیب در تدبیر امور سیاست است. روشمندی در نقد رقیب و بیان کاستی های آنها، از دیدگاه امام خمینی نباید موجب هتک حرمت باشد. چرا که از بزرگترین گناهان کبیره و تعدی از حدود الهی است و گاهی موجب تعزیر و تقاص نیز می گردد. (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ص: ۲۸) در این نگاه، بیان نقص ها و کاستی ها توأم با حفظ حرمت و کرامت افراد، اشخاص و گروه ها در بیان و رفتار صورت می گیرد. امام خمینی با رویکرد شرعی و

روانشناختی به مسأله، گوشزد می کنند که رقابت خود به خود ایجاد مرزبندی و شکاف می کند که برای انسجام سیاسی جامعه خطر آفرین است و چه بسا به تقابل و اضمحلال قدرت سیاسی بینجامد. از این رو افراد باید دقت در عمل داشته باشند تا کسی مظلوم واقع نشود. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص: ۱۵۴). البته از منظر امام ریشه این کار به محدود بودن قدرت دنیوی و بروز حسادت در تصرف آن بر می گردد. زیرا اگر قدرت سیاسی نامحدود بود و همه از آن برخوردار می شدند دیگر جایی برای هتک حرمت صاحبان قدرت باقی نمی ماند. (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ص: ۳۰؛ ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص: ۱۹۹-۲۰۳). از نظر امام خمینی چون اساس رقابت سیاسی استباق در خیرات است، لذا مقدمات آن نیز باید مبتنی بر خیر باشد و حفظ کرامت انسانی از بالاترین خیرات است و باید محفوظ بماند. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص: ۲۴۶؛ فاضل، ۱۴۱۴، ج ۱، ص: ۲۹۳) با این تبیین از رقابت سیاسی، هر امری که موجب هتک حیثیت، کرامت و تنزل دادن افراد باشد، با ماهیت رقابت سیاسی مورد نظر امام خمینی بینونت و تباین کلی دارد.

### ۵-۳- تقید به حدود شرعی و اخلاق اسلامی

نظام سیاسی مورد نظر امام خمینی، نظامی دینی و اخلاقی و دائر مدار ارزشهای اخلاقی می باشد. چنانچه والاترین شخصیت اسلامی بر خلق عظیم (قلم/۴) آراسته و غایت رسالتش، نیل به تکامل اخلاقی می باشد (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص: ۲۱۰؛ امام خمینی، ۱۳۸۰، ص: ۵۱۱). التزام و اهتمام رقبای سیاسی به حدود شرعی و اخلاقی، خط قرمز رقابت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی می باشد. به این معنا که اگر رقابت سیاسی بر محور حدود شرعی و اخلاقی جریان پیدا نکند، هم افراد رقابت کننده و هم اصل رقابت با فقدان صلاحیت مواجهه و به طاغوت نزدیک می شوند و چیزی جز خسران در پی ندارد. از این رو رقابت هنگامی مطلوب است که بر مدار احکام شرعی و فضیلت های اخلاقی دائر گردد و از منکرات و محرمات شرعی و منهیات و رذیلت های اخلاقی به دور باشد. حدود شرعی و اخلاقی مثل: «داشتن صلاحیت و شایستگی»، «قصد قربت و تقرب به خدا»، «توحید گرائی و کفر ستیزی»، «صداقت در گفتار و کردار»، «پرهیز از افتراء و تهمت»، «نقد عالمانه و به دور از حب و بغض»، «پرهیز از انتقام»، «حسن ظن به رقیب»، «پرهیز از افراط و تفریط»، «پرهیز از اصراف و تبذیر»، «پرهیز از نیرنگ و فریب»، «حق پذیری»، «داشتن حلم، صبر و خویشتن داری»، «پرهیز از خود پسندی و استکبار»، «پرهیز از حسادت»، «پرهیز از قدرت طلبی»، «استباق در خیرات»، «ظلم ستیزی»، «رافت و مدارا»، «پرهیز از مرء و جدال» و جز اینها، در رقابت سیاسی

اسلامی مد نظر است. کسانی که می‌خواهند در این چارچوب، متصدی قدرت بشوند، باید نسبت به دیگران تعیّدات و پایبندی‌های شان به حدود الهی بیشتر باشد، زیرا در صورت عدم تعیّدشان به این حدود، خود و جامعه را به فساد می‌کشانند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص: ۳۹۷؛ ج ۱۷، ص: ۱۲۲)

### ۳-۶- شفافیت در رفتار

یکی از الزامات رقابت سیاسی در دیدگاه امام خمینی، علاوه بر سنجیدگی و دقت در رفتار، «شفافیت در رقابت» و «پرهیز از نامشخص بودن رفتار رقابتی» است. چرا که خوانا بودن رقابت و در دسترس بودن آن برای رقبای، علاوه بر این که فعلی نیکو است (تقوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص: ۲۹۵) اصل رقابت را نیز مترقیانه و تعالی خواهانه می‌کند. در مقابل با وجود پیچیدگی، ابهام و عدم شفافیت در رقابت، اشتباه شناختی و رفتاری رخ می‌دهد و در پی آن تصمیمات ناهمگون و تدبیرهای ناقص از طرف رقبای ظهور و بروز می‌کند و لازمه و حاصل جمع آن، ایجاد بدبینی، در معرض اتهام قرار گرفتن، انشقاق و تفرقه سیاسی و سرانجام تضعیف قدرت سیاسی می‌باشد؛ که همه آنها از منکرات و منهیات عقلی و شرعی است. ابهام، اجمال و رمزآلودگی رفتار رقابتی، علاوه بر پیآمدهای منفی فوق‌الذکر، هم بر تکلف، سختی و پرهزینه کردن رقابت می‌افزاید و هم به لحاظ روانی، انسان را به سوی رمزگشایی از امور رقیب سوق می‌دهد و بر می‌انگیزاند و به تدبیرهای متقابل و می‌دارد. مضافاً اینکه رقابت سیاسی از جایگاه خاص خود به آوردگاه و معرکه‌ی، نبرد تدبیرها، حيله‌ها و نیرنگ‌ها تنزل و غیر قابل کنترل و ارزیابی برای نهادهای ناظر می‌گرداند و از طرفی هم اطمینان خاطر ملت نسبت به رقبای کاهش می‌یابد و یا از بین می‌برد و سرانجام این بدرفتاری می‌تواند منجر به إسقاط صلاحیت و شایستگی رقبای گردد. چرا که با تقوای الهی سازگاری ندارد. ارزشمندی این رویه چنان اهمیتی دارد که انعکاس آن در رفتار یکی از کارگزاران امنیتی ساواک، از دید امام خمینی مغفول نمانده و در مقام احتجاج با منافقان، آن را یادآوری می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص: ۲۳۵). این بیان حکایت از آن دارد که هر چقدر رفتار واضح، شفاف و به دور از ابهام باشد، رقبای می‌توانند تصمیم‌های شایسته‌تری را نسبت به هم اتخاذ نمایند و در مقابل هر چقدر بر ابهام و اجمال کار افزوده شود اشتباه و خطاکاری افزون‌تر می‌گردد. چنانچه امام خامنه‌ای به عنوان شاگرد و جانشین امام خمینی، شفافیت و صراحت عملی را در همه امور، بجز مواردی که در معرض سوء استفاده مغرضین و دشمنان قرار گیرد، عملی بسیار مهم و مطلوب دانسته‌اند و آن را به آموزه‌های اسلامی برگشت داده‌اند. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۷/۲۳).

شجاعت، خلوص، صداقت، فتوت و امثال این فضائل دارد و در مقابل، عدم شفافیت و صراحت در عمل، همنشینی با مقولاتی مثل ترس، فتنه، فریب، ریاکاری، ناجوانمردی، ترور و مانند آنها دارد. بنابر همین بنیان است که امام خمینی، رئیس جمهور وقت آمریکا را مورد سرزنش قرار می دهند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص: ۲۶۶). شفافیت در عمل نه تنها اصلی اسلامی است بلکه عکس آن، چون انسان را در مرأی و مظان اتهام قرار می دهد، در منابع اسلامی مورد نهی قرار گرفته است و کثیری از روایات در همین باب نقل شده است. (ر.ک: امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۷، ص: ۲۵۱؛ آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶، ص: ۱۴۱؛ ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص: ۹۰؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص: ۲۲۳) و صاحب وسائل الشیعه نیز بابتی را به مذمت این نوع رفتار اختصاص داده است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص: ۳۶).

### ۷-۳- تمرکز در مسائل رقابت سیاسی

موضوع رقابت سیاسی، قدرت سیاسی است و رقبا موظفند مسائل مرتبط با این موضوع را مد نظر خویش قرار دهند و از دخیل کردن موضوعات غیر مرتبط با آن احتراز نمایند. زیرا در غیر این صورت رقابت سیاسی به حوزه های دیگر سرایت کرده و آنها را نیز معرکه ی تاخت و تاز رقابتی قرار می دهد. بنابر اندیشه امام خمینی، ورود در مسائل اجتماعی وظیفه گرا و تکلیف محور است و میزان، فرمان الهی است و نباید پائینتر و یا زیاده تر عمل گردد و آنچه را که می بایست مکلف و موظف انجام دهد، همان است که بدان تکلیف گردیده است. پس اگر اقدام به بیشتر و یا کمتر از آن نماید، نه تنها به وظیفه و تکلیف خویش عمل ننموده است، بلکه خاطی نیز محسوب میگردد و در صورت تضییع حق و یا حقوقی از نهادها و یا افراد، ضامن است. از آنجا که حکومت اسلامی برای اقامه عدل برپا می شود، زمامدار و والپانش نیز باید عدالتگرا باشند و به متمرکز کردن مسائل در جایگاه خودشان و عدم تعدی و تجاوز از حد و حدود آن همت کنند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص: ۶۱۸؛ امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۶۷) و در تذکری به اصحاب مطبوعات، آنها را به تمرکز در مسئله خود فرا می خوانند. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص: ۴۷۳).

### ۸-۳- اهتمام و التزام به منافع ملی و مصالح جامعه اسلامی

رقبا عملاً در برخی مواقع، با تداخل مسائل مواجهه می گردند که هر کدام از آن مسائل دارای آثار و پیامدهای خود می باشد و آنچه که امکان تحقق دارد، تنها یکی از آن مسائل است که رقبا در عمل با اخذ یکی از آنها، گزینه های دیگر را طرد می کنند. در این که کدام موضوع اولویت می یابد و باید

اخذ گردد؟ امام خمینی داور و قاضی را عقل معرفی میکند. (مرتضوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص: ۳۱۱) و می‌گویند بنابر رأی عقل آنچه که دارای اهمیت بیشتری می‌باشد و یا از فساد کمتری برخوردار است مقدم می‌گردد. چرا که در این صورت است که به راه ثواب رفته است و عذرش پذیرفته می‌گردد و در عکس آن، بهره‌ای از ثواب نصیبش نمی‌شود و معذور نیست و معاقب می‌شود. (مرتضوی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص: ۳۵۵؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ص: ۳۹۷) به عنوان مثال از منظر امام خمینی حفظ «اسلام»، «نظام اسلامی» و «مصلح عامه» از بالاترین واجبات اند و در صورت تقابل با امور دیگر، آنچه مقدم می‌گردد اینها هستند. با این تبیین، در رقابت سیاسی منافع فرد، گروه و حزب، تاب و توان مقابله با منافع اسلام، منافع نظام اسلامی و منافع عامه جامعه را ندارد و در محذور تقابل، طرف دیگر ترجیح می‌یابد و لو اینکه دچار ورشکستگی سیاسی و متحمل ضرر و زیان فردی، حزبی و گروهی شوند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص: ۴۶۷؛ ج ۱۹، ص: ۴۸۷؛ ج ۲۱، ص: ۴۰۴). اهمیت مسئله آنجا است که انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام و اصحاب آنان، کوشش و فداکاری جانفروسی در این زمینه داشته‌اند و هیچ چیز آنان را از انجام این فریضه بزرگ باز نداشته است و جان و مال و فرزندان خود را نیز در این مسیر فدا کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص: ۱۸-۱۹).

### ۹-۳- اعتدال در راهبرد رقابت سیاسی

فرایند رقابت سیاسی شامل مجموعه برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات، جهت دست‌یابی به قدرت سیاسی و یا تأثیرگذاری بر آن است. بهره‌گیری فزاینده از منابع مالی، بسترهای تبلیغاتی، موقعیت‌های سیاسی - اجتماعی، امکانات و زیرساخت‌های عملیاتی، همراهی متنفذین قدرت و ثروت، و کانونهای تأثیرگذار اجتماعی، موجب می‌گردد تا در برخی مواقع، رقابت از اعتدال خارج گردد و به سمت اختناق، تحمیل، استضعاف، هضم کردن و به نادیدن طرف و یا طرفهای مقابل متمایل شود. در این صورت لازم است رقبا با اقدام به خودکنترلی، اعتدال در فرایندهای راهبردی رقابت سیاسی را بیافرینند و نابرابری‌ها را به حد اعتدال برسانند، به گونه‌ای که رقبا، طیفها، احزاب و گروه‌های کم‌برخوردار، در کَر و فَر و جولان‌دهی و ترک تازی‌رقبای برخوردار، توان رقابتی خویش را از دست ندهند. زیرا در جامعه اسلامی که عدالت محور است، اختناق، استضعاف، فشار و مضیقه نباید برای کسی رخ دهد و می‌بایست برخورداران اجازه بدهند دیگران نیز دیده شوند و از داشته‌ها، جایگاه و موقعیت‌های خود، به گونه‌ای بهره‌گیری نکنند که رقبایشان مغلوب جایگاه و موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها بگردند. چنانکه در وصایای امیرالمؤمنین امام علی، به



امام حسن مجتبی علیه‌السلام آمده است که: «در معاشرتتان با خلق، هرکس، خود را جای طرف دیگر قرار داده و آن طوری که دلش می‌خواهد با او رفتار شود، با دیگری رفتار کند» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص: ۳۹۷). در معارف اسلامی از این چنین خفقتانی که به انسان اجازه عمل ندهد، به «استضعاف» تعبیر گردیده است. إختناق و استضعاف حتی از طرق معروف و قانونی نیز مردود و نامشروع است و هر چیزی که عدالت اجتماعی و برابری جامعه را برهم بزند باید با آن به مبارزه برخاست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص: ۳۸۸؛ ج ۶، صص: ۱۸۵ و ۴۶۴؛ ج ۱۰، ص: ۱۲۲؛ ج ۱۲، ص: ۳۰۷؛ ج ۲۰، ص: ۱۰۶).

### ۱۰-۳- ارائه طرح و برنامه

از جمله اهداف رقابت سیاسی پیدا کردن و پیشنهاد راه حل های بهتر برای توسعه هدفهای اساسی جامعه است. از این جهت در اندیشه امام خمینی یکی از شرائط اساسی رقابت، مجهز بودن رقبا به برنامه ای راهبردی است که با آگاهی کامل طرح و تدوین گردیده باشد. اساساً اصل رقابت سیاسی در اسلام، رقابت برنامه ها است نه افراد، زیرا کسانی که فاقد برنامه هستند در واقع ورودشان مصداق تیر در تاریکی انداختن می باشد. سیره عملی امام خمینی حاکی از این است که یکی از مؤلفه های مبارزاتی ایشان در قبل از انقلاب و پس از آن، طرح و تبیین برنامه های خویش و به چالش کشاندن برنامه های طرف های مقابل و رقیب بوده است. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص: ۱۱۸؛ ج ۲، ص: ۴۸۸). امام خمینی در سیره مبارزاتی خود، پس از ستمکارانه خواندن برنامه های دولت های رژیم سابق، برنامه خویش را مترقیانه و متکی به اسلام معرفی می کند و با انجام مقایسه ای، برنامه مورد نظر خود در خصوص مشارکت مردم در حکومت را کاملتر از دموکراسی های غربی برمی شمارد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص: ۳۱۵) بنابر اعتقاد امام خمینی جنبش اسلامی ایران، به رهبری علمای ایران، آغاز و بدایتش با مخالفت با طرحها و برنامه های شاه شروع شده است. ایشان اساس مبارزه خود را، مبارزه با اشخاص و افراد بر سر إختلافات شخصی نمی دانند، بلکه نهضت آفرینی خویش را در راستای برچیدن برنامه های خائنانه، ظالمانه، ستمگرانه، منفعت طلبانه، إستعمارگرانه و وطن فروشانه بر می شمارند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، صص: ۱۳۷ و ۴۳۲ و ۴۵۶). همانگونه که ایشان علت مخالفت کشورهای جهان با انقلاب اسلامی، مخصوصاً آمریکا و شوروی را جدال و پیکار برنامه ها معرفی میکند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص: ۵۰۷).

نتیجه:

از آنجا که قدرت سیاسی در دیدگاه امام خمینی (ره) مقوله‌ای جدا از اراده و خواست مردم نمی‌باشد و ساخت آن با مشارکت فعالانه ایشان ممکن می‌گردد، نه تنها نخبگان سیاسی، بلکه همه آحاد جامعه بر اساس حق الهی خویش، می‌توانند نوع، ماهیت، ساختار قدرت سیاسی را تعیین و آن را مدیریت و کنترل کنند. از این رو رقابت سیاسی دارای ماهیتی آلی و وسیله‌ای برای انجام تکلیف و وظیفه می‌باشد و تمام معیارهای معتبر در یک رفتار اسلامی در آن لحاظ می‌گردد. از طرفی چون موضوع رقابت سیاسی قدرت سیاسی است، امام خمینی با ارجاع قدرت به دو حوزه حقوق اساسی و تشکیلات سازمانی، هم به لحاظ حقوقی، هم به جهت اجرا و کنترل، زیرساختهای لازمه را برای رقابت سیاسی تدارک و تضمین می‌کند. این امر پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ساختهای حقوقی و ساختارهای تشکیلاتی جمهوری اسلامی پی‌گیری گردید. نهایتاً اینکه امام خمینی متناسب با ماهیت قدرت و سیاست مورد نظر خویش، رقابت سیاسی را در چارچوبهای خاصی پذیرفته و معیارهایی را برای آن در نظر گرفته‌اند. این شرایط که در قالب ده اصل عملی استقراء شده است عبارتند از «الالتزام عملی به مرجعیت قانون و داوری مردم»، «التزام عملی به مهر ورزی و پرهیز از بکارگیری خشونت»، «استمرار ارجحیت بر رقیب، تا پایان رقابت»، «تحفظ در کرامت انسانی»، «تقید به حدود شرعی و اخلاق اسلامی»، «شفافیت در عمل»، «تمرکز در مسائل رقابت سیاسی»، «تقدم مصالح عامه و نوعی جامعه بر مصالح فردی و گروهی»، «اعتدال در راهبرد رقابت سیاسی»، «ارائه طرح و برنامه». در این ترسیم هندسی از اضلاع رقابت سیاسی، آحاد جامعه به مقتضای شایستگی خود در جهت ارتقاء کارآمدی قدرت سیاسی، اقدام به رقابت می‌نمایند.

## کتابنامه

۱. قرآن
۲. امام صادق، جعفر بن محمد (علیهما السلام)، (۱۳۷۷ه.ش) مصباح الشریعه، شرح: عبد الرزاق گیلانی، تهران: پیام حق.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ه.ق)، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ه.ش)، تحف العقول، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۵. امام خامنه ای، سید علی حسینی، درس خارج، ۱۳۹۷/۰۷/۲۳، <http://farsi.khamenei.ir>
۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۶ه.ش)، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولاية، مقدمه و شرح، سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۷ه.ش)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۸ه.ش الف)، جهاد اکبر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۸ه.ش ب)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۷ه.ش)، وصیت نامه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۹ه.ش)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ه.ق)، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۰ه.ش)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. آقا جمال خوانساری، محمد (۱۳۶۶ه.ش)، شرح غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: جلال الدین

- حسینی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۴) آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر.
۱۶. بهروز لک، غلامرضا و آقاجانی، علی (۱۳۹۶ه.ش) تأملی در چگونگی مناقشات کلام سیاسی بر رقابت سیاسی در دوران جمهوری اسلامی، سال ۲۰، شماره ۷۸، تابستان.
۱۷. پای، لوسین دیلیو و دیگران (۱۳۸۰ه.ش) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، لوسین دیلیو. پای و دیگران، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۱۸. تقوی اشتهاردی، حسین (۱۳۷۶ه.ش)، تنقیح الاصول، تقریرات درس امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ه.ش)، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم: نشر اِسراء .
۲۰. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲ه.ش) رقابت و ثبات سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۴ه.ش) چهارچوبی برای رقابت و ثبات سیاسی، تهران: مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۲. سبحانی، جعفر (۱۳۸۱ه.ش)، تهذیب الاصول، تقریرات درس امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- i. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ه.ق) نهج البلاغه، محقق و مصحح: صبحی الصالح، قم: دارالهجره .
۲۳. شهید مطهری، مرتضی (بی تا)، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات صدرا.
۲۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ه.ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۵. طبری امامی، محمد بن جریر (۱۴۱۴ه.ق)، المسترشد فی الإمامة، قم، انتشارات کوشانپور، چاپ اول.
۲۶. عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵ه.ش) راهنمای مطالعات انقلاب اسلامی در دانشگاه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی، تهران، رهیافت خط اول.
۲۷. علامه مجلسی، ملا محمد باقر (۱۴۰۳ه.ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم

- السلام، جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۸. فاضل لنکرانی، محمد(۱۴۱۵ه.ق)، مناهج الوصول الی علم الاصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲۹. فولادفر، مسعود؛ صابری، اسماء(۱۳۹۲ه.ش)، چارچوب های قانونی رقابت سیاسی از منظر امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۳۰. قاسمی، محمد تقی(۱۳۸۸ه.ش)، قانون اساسی جمهوری اسلامی، قم، انتشارات لامک، چاپ اول.
۳۱. قانون و آئین نامه های وزارت کشور و معاونت سیاسی وزرات کشور، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، <https://rc.majlis.ir/fa> (12/10/1398).ش.
۳۲. محدث نوری، حسین(۱۴۰۸ه.ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام
۳۳. مرتضوی لنگرودی، محمدحسن(۱۳۷۶ه.ش)، جواهرالاصول، تقریرات درس امام خمینی، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی
۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی(۱۳۷۹ه.ش)، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی(۱۳۸۰ه.ش)، نظریه سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم.
۳۶. مظاهری، حسین(۱۳۷۸ه.ش)، ولایت فقیه و حکومت دینی، اصفهان، انتشارات بصائر.
۳۷. موسوی خلخالی، سید مهدی(۱۳۶۷ه.ش)، حاکمیت در اسلام، تهران، انتشارات آفاق.